

خانم سنگ صبور



خانم سنگ‌صبور

ناتانیل وست

ترجمه‌ی خاطره کردکریمی

MISS LONELYHEARTS

by Nathanael West (1903-1940)

This translation © Borj Books, 2022

Borj Books is a division of Houpaa Publication.

.....
با توجه به آنکه از زمان درگذشت نویسنده‌ی این اثر، ناتانیل وست، بیش از ۵۰ سال گذشته و این اثر در حوزه‌ی مالکیت عمومی درآمده است، ترجمه‌ی آن برای همگان آزاد است. بر این اساس، نشر برج در چارچوب قوانین بین‌المللی حق انحصاری نشر (Copyright) این کتاب را ترجمه و منتشر کرده‌است.

- سرشناسه: وست، ناتانیل، ۱۹۰۲-۱۹۴۰م.
- West, Nathanael
- عنوان و نام پدیدآور: خانم سنگ صبور / ناتانیل وست؛
- ترجمه‌ی خاطره کردکریمی.
- مشخصات نشر: تهران: انتشارات برج، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۸۰-۷۷-۷
- وضعیت فهرست نویسی: فیپا
- یادداشت: عنوان اصلی: Miss Lonelyhearts.
- موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰م.
- موضوع: American fiction -- 20th century
- شناسه افزوده: کرد کریمی، خاطره، ۱۳۶۹. - مترجم
- رده بندی کنگره: PS۳۵۷۱
- رده بندی دیویی: ۸۱۳/۵۲
- شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۳۲۷۹۸

خانم سنگ‌صبور

نویسنده: ناتانیل وست

مترجم: خاطره کردکریمی

ویراستار: علی حسن‌آبادی

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح جلد: بابک قادری

صفحه‌آرا: نسیم نوریان

چاپ اول: ۱۴۰۱

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۸۰-۷۷-۷



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون،
کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۹، طبقه‌ی اول.
صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۲۲

- همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر برج محفوظ است.
- نشر برج شاخه‌ی بزرگسال نشر هوبا است.
- استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن، مجاز است.

حس می‌کرد به‌جای قلب بمبی در سینه دارد؛

بمبی پیچیده که ساده می‌ترکید و جهان را

بی‌آنکه به لرزه درآورد، ویران می‌کرد.

فهرست

پیشگفتار مترجم	۹
خانم سنگ صبور، به فریادم برس، به فریادم برس	۱۵
خانم سنگ صبور و بی‌روح و حالت‌ها	۲۳
خانم سنگ صبور و بزه	۳۲
خانم سنگ صبور و شست درشت	۳۸
خانم سنگ صبور و پیرمرد تروتمیز	۴۴
خانم سنگ صبور و خانم شرایک	۵۴
خانم سنگ صبور و گردش علمی	۶۷
خانم سنگ صبور و باتلاق بلا	۷۹
خانم سنگ صبور در حومه‌ی شهر	۹۰
خانم سنگ صبور باز می‌گردد	۹۶
خانم سنگ صبور و مرد علیل	۱۰۷
خانم سنگ صبور به بازدید می‌رود	۱۱۶
خانم سنگ صبور به مهمانی می‌رود	۱۲۳
خانم سنگ صبور و پیراهن مهمانی	۱۳۱
خانم سنگ صبور تجربه‌ای آیینی از سر می‌گذراند	۱۳۵

پیشگفتار مترجم

ناتانیل وست با نام اصلی نیتان واینشتاین^۱، ۱۷ اکتبر ۱۹۰۳ در خانواده‌ی یهودی روس مهاجری در نیویورک متولد شد. پسر لاغر بدقواره‌ی دستپاچه‌ای بود که هیچ استعداد ویژه‌ای در مدرسه از خود نشان نمی‌داد و سوای علاقه‌ی فراوانش به بیسبال، بیشتر وقتش را به رمان خواندن می‌گذراند. هرچند اولین تلاشش برای کسب تحصیلات عالی در دانشگاه تافتس به شکست انجامید، اما کمی بعد با جازدن کارنامه‌ی یکی از اقوام هم‌نامش به نام خود وارد دانشگاه براون و با موفقیت فارغ‌التحصیل شد. ناتانیل بعد از تمام‌کردن درس‌ودانشگاه، پدرش را متقاعد کرد او را به پاریس بفرستد و دو سال سرخوشی را آنجا گذراند. پس از بازگشت به نیویورک، مدت کوتاهی نزد پدرش پیمانکاری کرد، بعد چند سالی به‌ترتیب در هتل کنمور و هتل ساتن معاون مدیر شد.

اولین رمان وست، زندگی رؤیایی بالسو اسنل^۲، که پیشتر در دانشگاه

1. Nathan Weinstein

2. The Dream Life of Balso Snell

۱۹۳۹ رمان بعدی‌اش، روز ملخ^۱، را به این امید دوباره که از کسالت هالیوود بگریزد، منتشر کرد، اما جز چند نقد مثبت چیزی عایدش نشد. تا ۱۹۴۰ سوای روزانه چند ساعت کار بی‌حواس و بی‌علاقه روی فیلمنامه‌ها، باقی‌زمانش را به شکار می‌گذراند، اما آشنایی و ازدواجش با آیلین مک‌کنی^۲ به یکباره او را از انزوا و افسردگی رهانید. وست پس از بازگشت از ماه‌عسل سه‌ماهه‌شان، کار پردرآمدتری در کمپانی فیلمسازی کلمبیا پیکچرز پیدا کرد و کمی بعد برای ساخت اقتباس سینمایی یک میلیون جرینگی با همین کمپانی قرارداد فیلمنامه‌نویسی نوشت، اما دوره‌ی خوش‌زندگی او طولی نکشید. زمستان همان سال حین بازگشت از سفری تفریحی به مکزیک به‌همراه همسرش در تصادف رانندگی جان سپرد.

شهرت ناتانیل وست از بعد مرگش به‌ناگاه اوج گرفت. اقتباس سینمایی درخوردتری با بازی مونتگومری کلیفت از خانم سنگ‌صبور ساخته شد، آلن اشنایدر نمایشش را روی صحنه برد و لوئل لیبرمن اپرایی دوپرده‌ای از رویش نوشت. در ۱۹۴۶، مارسل سیبون ترجمه‌ی فرانسوی خانم سنگ‌صبور^۳ را با مقدمه‌ای از فیلیپ سوپو منتشر کرد که تأثیر محسوسش به‌اذعان منتقدان بر روند داستان‌نویسی فرانسه مشهود است. در ۱۹۴۹، همه‌ی رمان‌های وست جز اولی

نوشته بود و بعدتر در هتل ساتن بازنویسی و به‌هزینه‌ی خود منتشر کرد، شکست مطلق بود؛ فقط یک نقد درباره‌اش در نشریه‌ی کوچک ادبی «کانتمپو» منتشر و بعد به‌کل فراموش شد، هرچند تغییر نام او به «ناتانیل وست» برای اولین بار با انتشار این کتاب رسمیت یافت.

وست در ۱۹۳۱ دست به کار نوشتن «خانم سنگ‌صبور» شد. پنج شش باری بازنویسی‌اش کرد تا سرانجام در ۱۹۳۳ راضی شد به انتشارات هورس لایوژایت بسپاردش. کتاب تازه‌ی وست با استقبال منتقدان مواجه شد، اما ورشکستگی نابه‌هنگام ناشر، در نتیجه توقف چاپ، و زمانی که صرف یافتن ناشر تازه شد، تب‌وتاب اولیه را خواباند. وست در تلاش برای سوارشدن بر موج استقبال منتقدان از خانم سنگ‌صبور، رمان بعدی‌اش، یک میلیون جرینگی یا اوراق‌کردن لمیوئل پیتکین^۱، را هول‌هول نوشت که نه شوقی در منتقدان برانگیخت نه منفعتی مالی برایش در پی داشت. چند ماهی از همان سال را هم در هالیوود گذراند، چون کمپانی فاکس قرن بیستم برای ساخت اقتباسی سینمایی از خانم سنگ‌صبور با او قرارداد فیلمنامه‌نویسی بسته بود. هرچند کار کمی به وست سپردند و حاصل این همکاری تریلر جنایی آبکی‌ای شد که او را به‌کل از سینما ناامید کرد، در ۱۹۳۵ که همه‌ی درهای دیگر به‌نظر به رویش بسته شد، دوباره در مقام فیلمنامه‌نویس به هالیوود برگشت. در

۱. The day of the Locust که نشر نو و نشر ماهی هر دو ترجمه‌ای از آن منتشر کرده‌اند.

2. Eileen McKenney

۳. با عنوان Mademoiselle Coeur-brisé.

۱. A Cool Million: The Dismantling of Lemuel Pitkin که نشر روزنه ترجمه‌ی آن

را منتشر کرده‌است.

گیرافتاده در باتلاق بلایای زندگی هایشان یافتن یار موافق نیست، استعانت از پروردگار و عیسی مسیح است برای کسب قدرت مضاعف تحمل رنج‌ها و مصائب. باتوجه‌به معنی لغوی، ریشه‌ی فرهنگی و غرض نویسنده از انتخاب این عنوان، اسم خاص فرض کردن «میس لونلی هارتس» به‌سیاق برگردان‌های پیشین و ترجمه‌نکردنش درست به نظر نمی‌رسد؛ خانم سنگ‌صبور، به درک من، معادلی است که تا حدی جمیع اغراض نویسنده را برآورده می‌کند. دوم اینکه، ارجاعات کتاب‌مقدسی قصه فراوان‌اند؛ یکی دو مورد مبهم مناقشه‌برانگیز هم هست. به نظر رسید شاید بد نباشد به‌جای تحلیل و تفسیرهای طولانی ابتدا و انتهای رمان‌ها که معمولاً خواننده‌نخوانده رها می‌شوند، همه‌شان را در قالب پانوشته‌های مختصری توضیح بدهم تا خواننده‌ی به‌دور از بافت فرهنگی و زبانی قصه، ضمن پیگیری روایت، به دانش پایه‌ی خواننده‌ی هم‌زبان و هم‌فرهنگ نویسنده نزدیک‌تر شود و لذت کامل‌تری ببرد.

در انگلستان منتشر شد، و چاپ هر چهار رمان او در ۱۹۵۷ در یک مجلد، منتقدان آمریکایی را به این توافق جمعی رساند که ناتانیل وست از مهم‌ترین نویسندگان دهه‌ی ۱۹۳۰ ایالات متحده بوده‌است. درون‌مایه‌ی اصلی خانم سنگ‌صبور درد و رنج بشری است اما بروز و ظهورش کم‌وبیش همه‌جا و صف رنج‌هایی است که زنان در زندگی‌شان متحمل می‌شوند؛ رنج‌هایی که هرچند همیشه‌حی‌وحاضرند، در نظر راوی قصه نه توجیهی می‌یابند نه توضیحی. استنلی ادگار هایمن، منتقد فقید آمریکایی، معتقد بود خانم سنگ‌صبور در کنار گتسبی بزرگ فیتز‌جرالد و آفتاب باز هم می‌دمد همینگوی که همگی قهرمان‌هایی سرگشته و آزاردیده دارند و از طعم تلخ پوچی تمدن بشری و حال‌وهوای نافذ و غم‌افزای ناکامی‌هایش می‌گویند، سه رمان برتر قرن بیستم‌اند.

و دو نکته درباره‌ی ترجمه‌ی این اثر. اول اینکه، «لونلی هارت^۱» در لغت به‌معنای آدم تنهای در جست‌وجوی همدم و مصاحب است. در دهه‌های سی و چهل میلادی ستون‌ها و آگهی‌هایی با عنوان «لونلی هارتس» در روزنامه‌های انگلیسی‌زبان پرتیراوار شدند که آدم‌های تنهای این‌چنینی را به یار و نگاری می‌رساندند. مرد قهرمان قصه‌ی وست که در ستونش به‌نامه‌های خوانندگان دردمند و مصیبت‌زده‌اش پاسخ می‌دهد، نام مستعار «میس لونلی هارتس» را کنایه‌وار برای خودش برگزیده، هرچند نسخه‌ی او برای نامه‌دهندگان

1. Lonelyheart

خانم سنگ‌صبور، به فریادم برس، به فریادم برس

خانم سنگ‌صبور روزنامه‌ی پُست‌دیشپچ^۱ نیویورک (توی دردسر افتاده‌اید؟ مشورت لازم دارید؟ به خانم سنگ‌صبور نامه بدهید تا کمکتان کند) پشت میز نشست و زل زد به تکه‌مقوای سفیدرنگ. شِرائِک، دبیر تحریریه‌ی روزنامه، روی تکه‌مقوا دعایی دست‌نویس کرده بود:

روح خانمِ سین^۲، شکوهم بخش
تن خانم سین، خوراکم ده
خون خانم سین، سرخوشم ساز
اشک خانم سین، بشوی و تطهیرم کن
ای سینِ نیک! از جسارتم درگذر
در قلب خویش نهانم کن
وز دشمنان پناهم ده،

1. Post-Dispatch

۲. مخفف «سنگ‌صبور». (همه‌ی پانوش‌ها از مترجم است.)

به فریادم برس خانم سین، به فریادم برس، به فریادم
برس
تا ابد الآباد! آمین.

تا موعد تحویل کمتر از ربع ساعت فرصت داشت، اما مرد هنوز در ابتدای مطلب مانده بود. نوشته بود: «زندگی به زحمتش می‌ارزد، چون یک‌سر رؤیاست و آرامش، ملایمت و مسرت، و ایمانی که چون شعله‌ای سپید و درخشان در محرابی تیره و تار می‌سوزد.» اما ادامه‌دادنش را محال می‌یافت. نامه‌ها دیگر سرگرم‌کننده نبودند. نمی‌شد که سال به دوازده ماه، سی بار در هر روز با مضحکه‌ای یکسان سرگرم شد. روزی نبود که بیش از سی نامه به دست نرسد، و همه‌شان عین هم: از خمیر مصیبت، قالب‌زده با تیغه‌ای قلب‌شکل. کوهی از نامه‌های همان روز صبح روی میزش بود. باز لابه‌لایشان را گشت، بلکه سررشته‌ای بیابد برای نوشتن پاسخی صمیمانه.

خانم سنگ‌صبور عزیز،

یک دردی دارم، یک دردی دارم که مانده‌ام چیکار کنم. یک‌وقت‌ها فکر می‌کنم خودم را بکشم بس که کلیه‌هایم درد می‌کنند. شوهرم اعتقاد دارد زنی که

بی خیال درد بچه‌دار نشود کاتولیک خوبی نیست. من توی کلیسای خودمان با عزت و احترام ازدواج کردم، منتها چون هیچ‌کس درباره‌ی زن و شوهری چیزی به من نگفته بود، اصلاً نمی‌دانستم زندگی متأهلی یعنی چی. مادر بزرگم هیچی یادم نداد و من همین یک مادر را داشتم ولی خب اشتباه بزرگی کرد که چیزی یادم نداد، چون معصومیت به هیچ دردی نمی‌خورد و فقط حسابی توی دلت را خالی می‌کند. توی دوازده سال، هفت تا بچه آورده‌ام و الان دو سال آژگار است که مدام مریضم. دو بار عملم کردند و شوهرم قول داد به حرف دکترها گوش کند و دیگر بچه نخواهد چون گفت ممکن است بمیرم، منتها تا پایمان را از بیمارستان گذاشتیم بیرون زد زیر قولش و همین حالا هم چشم‌به‌راه بعدی‌ام و جوری کلیه‌هایم درد می‌کنند که فکر نکنم بتوانم نگاهش دارم. خیلی بدحال و خیلی ترسیده‌ام چون به خاطر کاتولیک‌بودن نمی‌توانم بیندازمش و شوهرم از آن متعصب‌های سفت‌وسخت است. همه‌اش دارم گریه می‌کنم. خیلی درد دارم و نمی‌دانم چیکار کنم.

با احترام

خسته از همه‌چی

۱. In saecula saeculorum: ترجمه‌ی لاتین عبارت یونانی εις τοὺς αἰῶνας τῶν αἰώνων که در اصل به ابدیت صفات الهی اشاره دارد.



.....برجی برای هم‌زبانی.....



borjbooks

www.borjbooks.ir



کاغذ استفاده شده برای چاپ
این کتاب، از منابع سازگار با
محیط زیست تهیه شده است.